



## بشر و خزر!

ایالات متحد که سی سال پیش با توسل به شعار پوچ «حقوق بشر» کودتای ننگین ۲۲ بهمن را در ایران سازمان داد، اکنون برای تجزیه ایران به همین «حقوق» نان و آبدار متوسل شده. حداقل ظاهراً محفل ویلیام برنز که در زمینه جنگ افروزی به بهانه بحران دستساز «هسته‌ای» شکست خورده، چنین رویائی در سر می‌پروراند. اصولاً این گاوچران‌ها بدون «حقوق بشر» و شعار پوچ کارشان لنگ می‌شود.

پیش از ادامه مطلب پیرامون وبلاگ «تخریب‌نامه» توضیح دهیم واژه «باحی‌گری»، با همان املائی که در نامه آقای مقدم در سایت نووستی آمده بود، «باهیگری» نوشته شد، تا در مواضع «فرهنگی» مدافعان حکومت «مقدس» دخل و تصرف «اومانستی» نکرده باشیم! حال بازگردیم به شعار پوچ، از جمله شعار «تغییر در قانون اساسی»، که رادیوفردا آنرا در بوق گذاشته.

شعار گوساله فریب «تغییر در قانون اساسی» جدیدترین «شعار پوچ» طاعون سبز است که در «رادیو فردا» هم منعکس شده. رادیوی پوچ‌پردازی‌های فردا و فرادهای دگر دست از موسوی و شارلاتانیسم نمی‌شوید. این رسانه به نقل از میرحسین موسوی می‌نویسد، «قانون اساسی را می‌توان تغییر داد!» چه کشف بزرگی! ما هم می‌دانیم که قانون توحش را می‌توان «تغییر» داد؛ مهم این است که تغییر کذا در کدام جهت صورت می‌گیرد! باید روشن شود، هدف از «تغییر» در قانون به اصطلاح «اساسی» جمکران اصولاً چیست؟ ایجاد «شورای رهبری»، جهت گسترش هر چه بیشتر توحش بر علیه انسان‌ها، یا برگزاری رفراندوم در مسیر تدوین یک قانون اساسی انسان‌محور؟ در شرایط فعلی صرف «تغییر» به هیچ عنوان کفایت نمی‌کند، این «مسیر» و «اهداف» نهائی و غائی تغییرات است که می‌باید مشخص شود. به عقیده ما نخستین پدیده‌ای که می‌باید در آن بازنگری اساسی صورت گیرد، اجتناب از پوچ‌گوئی و پوچ‌پردازی اربابان حکومت جمکران است که در کمال تأسف به یک بیماری مزمن و واگیردار تبدیل شده. پس بهتر است میرحسین موسوی، این پیرو دل‌سوخته «خط امام»، و مدافع سیاست استعماری تحمیل انزوای سیاسی، و این طرفدار تحمیل جنگ «مقدس» به ملت ایران، به صراحت «چارچوب» تغییر مطلوب را مشخص کند تا ملت ایران بیش از این در باتلاق «ابهامی» که ایشان درست کرده‌اند سرگردان نماند.

برای حفظ نظم نوین، آمریکا و انگلستان نیز به «جسد» متوسل شده‌اند، تا در جایگاه زوج جادوئی «دستاربند و اوباش» قرار گیرند. اولی جسد قربانیان «فورت هود» را بهانه کرده، تا خدای خوب و مهربان و عادل را به ما معرفی کند! دومی هم با توسل به جسد ندا آقاسلطان، برای لشکرکشی خیابانی به اوباش حکومت چراغ سبز می‌دهد. بله، انتشار خبر «بورس ندا آقاسلطان» به فعله فاشیسم تفهیم کرد که باید در برابر سفارت انگلستان «تجمع» کرده، خواهان استرداد «شاهد» یا «قاتل» فرضی ندا آقاسلطان شوند. می‌دانیم که حکومت خیابانی جمکران اصولاً وزارت امور خارجه ندارد، و سیاست کشور را اوباش در خیابان تعیین می‌کنند. همانطور که سی سال پیش هم اوباش «پیرو خط امام»، ارواح شکم‌شان برای کوتاه کردن دست آمریکا، و در واقع برای قراردادن ملت ایران در انزوای «اقتصادی - سیاسی» و تحمیل جنگ بر کشور ایران «لانه جاسوسی» را اشغال فرمودند. گویا فعله مؤنث فاشیسم نیز همان لات‌بازی را در برابر سفارت انگلستان «بازتولید» می‌کنند. زینب کوماندوها ادعا کرده‌اند شاهد فرضی قتل «ندا» همان قاتل اوست. می‌دانیم که همواره «حق» با «اوباش‌الله» است چرا که حکومت اسلامی حکومت «حق» است، و حکومت نظم قانونی حکومت «باطل».



پس دچار توهم نشویم! لات‌الله مونث حکومت قدر قدرت جمکران همچون اوباش پیروخط‌امام، برای «زوزیدن» در برابر سفارت ارباب هیچ نیازی به اسناد و مدارک و شواهد ندارد. اینان با اجازه «هیزاکسلنسی» از دیوار سفارت بالا می‌روند، و پای دیوار، همانجا که «فی‌فی»، سگ دل‌بند «هیزاکسلنسی» یا غلام سفارت «تشانه‌گذاری» کرده اسناد و مدارک لازم را خواهند یافت. سپس علاء‌الدین بروجردی که همچون دیگر نخبگان جمکران متخصص گفتگو با مردگان است با «خاندی» یا همان خمینی دجال تماس گرفته اعلام می‌کند که این عمل طبق مفاد کنوانسیون ژنو قانونی است چرا که سفارت کذا سفارت‌خانه نبوده، محل نگهداری سگ بوده! دیدیم که سعید جلیلی هم تأکید کرده بود که «گفتگو» با «ویلیام برنز» اسمش گفتگو و مذاکره نبوده! البته جلیلی درست می‌گوید ما هم در وبلاگ پیشین گفتیم، آنچه بین ویلیام برنز و جلیلی ردوبدل شد «کو. دو. فودر» بوده، یا همان عشق در اولین نگاه! اظهارات ویلیام برنز که در رادیوفردا، مورخ ۲۰ آبان‌ماه سالجاری منتشر شده شاهدهی است بر این مدعا. خلاصه داریم از «جنگ»، به خواستگاری و ارسال دسته گل و شاخ نبات و اینجور وسائل «جشن» می‌رسیم. از «ویلیام» اصرار و از «جلیلی» انکار! پیش از پرداختن به ماجراهای «ویلیام برنز» و «سعید جلیلی» بپردازیم به ایفای نقش «دستاربند» توسط باراک اوباما!

گفتیم که مستر پرزیدنت گاوچران‌ها در نقش «دستاربند» ظاهر شده‌اند. پرزیدنت اوباما در مراسم بزرگداشت قربانیان «فورت هود»، «خداوند خوب» و «مهربان» و «عادل» را به ما معرفی فرمودند. در ضمن ایشان تأکید کردند که این خدائی که ما می‌شناسیم، هرگز با این کارهای بد، یعنی کشتار نظامیان آمریکا موافق نیست، و هر کس از این کارها بکند هم در این جهان و هم در «آن جهان» به

سزای اعمال خود خواهد رسید. بله! پرزیدنت اوباما، فقط یک عمامه و یک جفت نعلین کم داشتند تا همچون آقای «مجتبی مقدم» ما ملت را به «باحی‌گری» هم متهم کنند. «خداوند خوب» مسلماً عدالت را در این جهان، همچنانکه در عراق و افغانستان و پاکستان شاهدیم به دست پرزیدنت اوباما و همکاران به مورد اجرا خواهند گذاشت. در عدالت «آن جهان» هم تردید نکنیم! مسلماً حاکمیت ایالات متحد همچون نخبگان جمکران با مردگان در تماس مداوم است و بخوبی می‌داند که نه تنها آن جهان، یعنی جهان نیستی «وجود» دارد که «عدالت» هم در آن اجرا می‌شود. دیگر چه می‌خواهیم؟ خدای خوب اوباما عدالت را در آن جهان برای‌مان تأمین خواهد کرد، کار تأمین عدالت در این جهان هم بر عهده حاکمیت آمریکا است. البته برای تأمین «حقوق بشر» در ایران، ویلیام برنز شخصاً ابراز آمادگی کرده.

آمریکا را دستکم نگیریم، حتی جنگ‌طلبان‌اش هم از طرفداران سرسخت «حقوق بشر» به شمار می‌روند! در واقع آمریکا خواهان «دریافت» حقوق بشر گذاشت. حاکمیت آمریکا از طریق سرکوب انسان‌ها و گسترش حکومت‌های مقدس، «حقوق» بشر را به دلار در بانک‌های خود وصول می‌کند. هر چه دامنه جنگ گسترش یابد، «حقوق بشر»



«ما آماده تعامل با ایران بر سر مسئله حساس برنامه هسته‌ای [...] و دیگر مسائل مشترک هستیم، اما این به معنی آن نخواهد بود که چشمان خود را بر تجاوز به حقوق می‌بندیم، یا بر سر اصول خود سازش خواهیم کرد. در ایران مثل هر کشور دیگری در جهان، ما در کنار کسانی هستیم که به صورت مسالمت‌آمیز در صدد حمایت از حقوق بشر هستند.»

اتفاقاً سخنان ویلیام برنز به ویژه در مورد عراق و افغانستان شاهدهی است بر این مدعا. فقط از قضای روزگار، هم در عراق و هم در افغانستان و هم در ایران، مستر برنز گویا اشتباه کرده‌اند و با شرکای‌شان، جهت «دفاع» از حقوق بشر در کنار مشتی جنایتکار دین‌فروش از قماش مقتدی صدر، ملاعمر، شیخ مهدی بازرگان و خامنه‌ای و محمد خاتمی و غیره قرار گرفته‌اند. شاید هم ایشان اشتباه نکرده باشند، و ما اشتباه می‌کنیم. ممکن است آن حقوقی که ویلیام برنز مدافع آنست «حقوق بندگان» حقیر و ذلیل مطیع خداوند قهار ابراهیم باشد، نه حقوق بشر در مقام یک انسان آزاد. باری ویلیام برنز در ادامه چنین فرمایشات گوساله‌فریبی اشغال سفارت آمریکا را نیز حادثه‌ای دردناک و شرم‌آور خوانده. البته اینجا هم

بیشتری به بانک‌های غرب سرازیر خواهد شد. پس جای تعجب نیست که ویلیام برنز خواهان رعایت حقوق بشر در ایران نیز باشد. ایشان وقتی سخن از حقوق بشر می‌گویند برای برداشتن گام دوم سیاست محفل «کارتر - برژینسکی» خیز برداشته رویای تجزیه کشورمان را در سر می‌پرورانند. ویلیام برنز در واقع «حقوق خزر» را می‌طلبد.

به گزارش رادیوفردا، مورخ ۲۰ آبانماه، ویلیام برنز، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در «موسسه خاورمیانه» در واشنگتن سخنرانی کرده و پس از بافتن آسمان به ریسمان و پیوند گوز به شقیقه می‌گوید، «ما» اصلاً در پی رویارویی با ایران نیستیم، «ما» آماده همکاری هستیم ولی بر سر «اصول» خود سازش نخواهیم کرد و «تجاوز به حقوق» را نمی‌پذیریم! در واقع مستر برنز همان چرندیات نوکران‌شان در جمکران را تکرار می‌کنند. چرندیاتی که سی سال است هیئت حاکمه ایالات متحد در آبدارخانه سازمان سیا تولید کرده و به دست «ساتاس» در جمکران سپرده، تا وقوفیه‌های جمعه و سخنرانی مقامات حکومت توحش بر محور آن تنظیم شود. البته با یک تفاوت عمده! هر جا مقامات آمریکا عبارت «حقوق بشر» را به کار می‌برند، گورکن‌ها باید «حقوق مسلمانان» را بجای‌اش بگذارند تا مرز بین ارباب و نوکر مخدوش نشود. آمریکا حقوق بشر را دریافت کرده و «نقد» می‌کند، گورکن‌ها هم حقوق «بنده خدا» را ملاخور می‌کنند. البته اینان پس از دریافت حقوق بندگان باید درصدی از آن را به عنوان دستخوش به مدافعان حقوق بشر پرداخت کنند، در غیر اینصورت جایگاه الهی‌شان از دست می‌رود و گاوچران‌ها با سازمان دادن «انقلاب» یک گروه سگ‌هار تازه نفس را برای دفاع از «حقوق مسلمانان» به کار خواهند گمارد:



نباید اشتباه کنیم! دردناک بودن این «حادثه» از منظر ایشان برای ملت ایران نیست که در پی این توطئه استعماری به گروگان مشتی لات‌واپاش بازار و حوزه تبدیل شد، ابد! «مستر» برنز برای چند کارمند دون‌پایه سفارت‌شان اشک تمساح سرازیر کرده‌اند و آخر کار از ما ملت هم طلبکار می‌شوند!

مگر ما گروگانگیری کردیم؟ گروگانگیران که از نوکران وفادار و حقوق‌بگیران خود شما بوده و هستند، چرا گروگانگیری را به حساب «ملت ایران» می‌نویسید؟ کدام کشور از گروگانگیری خسارت دید؟ تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی و جنگ ایران و عراق و بالا کشیدن میلیاردها دلار ارزش متعلق به ملت ایران و ... به نفع حاکمیت آمریکا نبود؟ چرا! کودتای ۱۳ آبان‌ماه اگر برای ملت ایران و کل منطقه جز مصیبت هیچ نداشت منافع آمریکا را خیلی خیلی خوب تأمین کرد. پس برای گروگانگیری پای کشور ایران را به میان نکشید، برای حفظ ظاهر هم که شده از نوکران خودتان گلایه کنید! از همان‌ها گلایه کنید که امروز تحت حمایت تبلیغاتی‌تان در جایگاه «زندانیان تژیینی» و مخالفان «ساکن غرب» دولت جمکران نشسته‌اند، تا باز هم در جایگاه مدافعان «حقوق مردم» اهرم‌ها را در مسیر منافع‌تان به حرکت درآورند. همان جنایتکارانی که اینک سی سال است با شعار «مرگ بر آمریکا»، عربده‌جوئی و لشکرکشی خیابانی، در واقع منافع آمریکا را تأمین می‌کنند. ویلیام برنز در ادامه سخنان مزورانه خود چنین وانمود می‌کند که ایالات متحد و شرکای‌اش در غرب که افسار سگ‌های‌هاجم جمکران را به دست دارند در برابر سرکوب وحشیانه ایرانیان توسط سگ‌های زنجیری‌شان، جز تحسین و ستایش شهادت ملت ایران کار دیگری از دست‌شان برنمی‌آید:

«تصرف سفارت آمریکا در تهران عمیقاً زندگی آمریکائی‌هائی که به صورت ناعادلانه به مدت ۱۴ ماه به گروگان گرفته شدند، را تحت تأثیر قرار داد[...]. ما [...] همراه با جامعه جهانی، شاهد هستیم که چگونه به رغم سرکوب بی‌رحمانه، دادگاه‌های نمایشی و بازداشت‌های دسته جمعی، مردم ایران [دلیرانه خواهان حقوق جهان‌شمول هستند].»

بله ایشان «شاهد» هستند! شاهد چه هستند؟ شاهد اینکه نوکران‌شان در جمکران ملت ایران را خوب سرکوب می‌کنند و ایرانیان هم «حقوق جهان‌شمول» می‌خواهند! به این گاوچران نیمه‌هشیار باید گفت، اگر ملت ایران خواهان حقوق جهان‌شمول است پس چرا سیرک سیار پنتاگون را برای حمایت از پیروان «خط‌امام» دجال جمکران به راه انداخته‌اید؟ مگر میرحسین موسوی و پیروان خط توحش و مشتی آخوند و روضه‌خوان و آیات عظام و دعانویس و غیره «حقوق جهان‌شمول» می‌خواهند که برای‌شان پامنبری می‌خوانید؟

بله! اینجا هم نباید اشتباه کرد. لوطی و عنتر و مطرب‌های پنتاگون خواهان «اسلام خوب» و توحش علوی‌اند، کاری با «بشر» ندارند. اینان می‌خواهند با حدیث و روایت و



خصوصاً «حکایت» خلخال همان زن یهودی در نهج البلاغه، ارواح شکم‌شان «دمکراسی» در ایران مستقر کنند! ولی شاهدیم که این جماعت از قضای روزگار همه ساکن ایالات متحد و با حقوق «جهان‌شمول» انسان بکلی بیگانه‌اند. همگی نوکران دست پرورده آقای برنز هستند و در سراسر جهان انسان را همچون پرزیدنت اوباما در زنجیر توحش «اسلام» و ادیان می‌خواهند. تنها به این ترتیب است که «اصول» و «حقوق» آقای برنز و جیره‌خواران‌شان در جهان اسلام تأمین خواهد شد.

کافی است نگاهی به تعداد بورسیه‌های ایران در ینگه دنیا و حجم واردات ایران از ایالات متحد و شرکای‌اش در سازمان ناتو بیفکنیم تا دریابیم سخنان ویلیام برنز جز پوچ‌گوئی هیچ نیست. جناب برنز روی «فراموشی» ایرانیان حساب باز کرده و می‌فرمایند، جوان‌ترها که دوران گروگانگیری را

به یاد ندارند می‌خواهند با جهان رابطه برقرار کنند، و درهای خوشبختی را به روی خود بکشایند و ... خلاصه از این حرف‌های خوب و دلنشین. ولی خدمت مستر برنز بگوئیم، پیشتر هم جز این نبوده! این شما بودید که این بساط را به راه انداختید. منافع آمریکا ایجاب می‌کرد در کشور ایران یک حکومت خیابانی «اسلامی» سر کار بیاورید و همین حکومت آخوندی را در انزوای سیاسی بگذارید تا جنگ در کل منطقه گسترش یابد. در نتیجه، پس از کودتای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اوباش وابسته به محفل حضرت‌عالی بودند که با شعار «حقوق بشر» حکومت تعیین کردند تا پیروان «خط امام» روز ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ سفارت آمریکا را هم اشغال کنند و «حقوق» و «اصولی» که شما در سخنرانی‌تان به آن اشاره کرده‌اید تمام و کمال تأمین شود. ولی اینبار را دیگر حسابی کور خوانده‌اید، با شعار «حقوق بشر» به «حقوق خزر» نمی‌رسید!

